

انگیزه روی میز

بعضی از آدم‌ها زمانی که وارد شغلی می‌شوند انگار دیگر به خط پایان رسیده‌اند و دلیلی برای تلاش کردن ندارند؛ این آدم‌ها احتمالاً پس از مدتی از شغلشان خسته خواهند شد و صرفاً به خاطر تأمین هزینه‌ها و از سر عادت هر روز سر کار می‌روند؛ بدون عشق و انگیزه و خلاقیت. اصلاً یکی از معایب سال‌ها کاری تکراری انجام دادن همین است که چشمه ذوق فرد می‌خشکد و چراغ ابتکارش خاموش می‌شود. البته خوشبختانه انسان دارای اراده و قدرت انتخاب است و می‌تواند به گونه‌ای دیگر عمل کند. مثلاً تصمیم بگیرد از راه سالم و بدون تلاش برای زیرآب کسی رازدن ترفیع بگیرد یا آن قدر در کارش پیشرفت کند که کلاً در سازمان عظیم‌تر و زیر مجموعه بخش مهم‌تری کار کند. برای بانگیزه ماندن در کار باید از همان اوایل کار شروع به مراقبت و برنامه‌ریزی کرد. از همان روزی که وارد شرکت، اداره یا هر محل کاری می‌شوید باید مواظب «فرسوده و بی‌انگیزه نشدن» باشید. مراقبت از بی‌انگیزه نشدن برخلاف ظاهرش که ساده به نظر می‌رسد اصلاً کار آسانی نیست. گاهی وقت‌ها کسالت و کرختی جواری در درون آدم نفوذ می‌کنند که خود فرد هم چیزی حس نمی‌کند و حتی يك آخ نمی‌گوید!

امیدوارم برایتان سؤال پیش آمده باشد که نشانه‌های این بی‌انگیزه شدن چه چیزهایی است و چطور باید تشخیص دهیم که دیگر برای کارمان انرژی کافی نداریم. اگر برایتان سؤال پیش آمده است، در ادامه این مطلب برایتان توضیح خواهیم داد، خوب اگر هم سؤالی ندارید فعلاً همین جا بمانید تا با هم‌دیگر با چند نشانه عمومی در کارمندان بی‌انگیزه آشنا شویم.

روی میز این نوع کارمندان به اندازه لایه خامه روی کیبک، خاک و غبار ایام دیرین نشسته است. هیچکس هم دلیل و رغبت و انگیزه‌ای برای تمیز کردن آن‌جا ندارد.

حتی اگر یکبار پاتان را در ادارات، بانک‌ها، سازمان‌ها و... گذاشته باشید، احتمالاً میان چندین کارمند، کسی را می‌بینید که روی میزش مدارک و کاغذهایی از روز اول کاری‌اش وجود دارد و انگار سال‌هاست و سایلش را مرتب نکرده است.

تصور کنید فردی عاشق
کارش باشد و بخواهد مثلاً روزی هفت
ساعت در محل کارش بماند و کار ذهنی مانند
حسابداری یا امور مالی و... انجام دهد. به نظر شما
در محلی که بی‌نظمی‌اش بر اساس هیچ‌نظمی شکل
نگرفته است و صرفاً نامرتب و شلخته است می‌توان
کار کرد؟ می‌توان تمرکز کرد یا حس خوبی داشت؟
کارمندانی که سیستم رایانه‌شان بسیار شلوغ است
و برای پیدا کردن یک پوشه باید ساعت‌ها
جست‌وجو کنند می‌توانند با سرعت و
دقت کار کنند؟

البته لزوماً صرف نامرتب
بودن به معنای بی‌انگیزگی کارمند
نیست. تا به حال تزئینات اتاق یک
فرد خسته که دوست دارد زودتر از
فضای کارش بیرون برود را تصور
کرده‌اید؟ بیاید با هم یک اتاق اداری
زیبا متعلق به یک کارمند با انگیزه
را توصیف کنیم.

کسی که دوست دارد در فضایی
بماند و نمی‌خواهد به سرعت از آن مکان
فرار کند طبق سلیقه خودش آن محل را تزئین می‌کند.
مثلاً چند وقت پیش برای جلسه‌ای به اتاق یکی از همکارانم
رفته بودم و به محض ورود احساس کردم وارد جنگل آمازون شده‌ام
و چند قدم جلوتر می‌توانم تمشک و بلوط هم بچینم! دور تا دور اتاق پر
از کاکتوس و بامبو و گیاهان آپارتمانی بود. درست است که اتاق این همکار
ما چندان طبق سلیقه من چیده نشده بود اما انصافاً تلاش همکار ما برای تزئین
اتاقش نشان‌دهنده این بود که به محل کارش اهمیت می‌دهد و طبیعتاً لحظاتی که در
آن فضا مشغول کار است برایش لذت‌بخش است. حال این اتاق را با اتاق یک کارمند
بی‌انگیزه و خسته که کار و محل کارش را دوست ندارد مقایسه کنید. کسی که صرفاً
برای جریمه نشدن و از سرناچاری سرکار می‌آید این همه رغبت و انگیزه ندارد که
ساعت‌ها زمان بگذارد و انرژی صرف کند که اتاقش را تزئین کند! مثلاً خود
من که چند شغله هستم و یکی از شغل‌هایم را دوست دارم و دیگری را
نه، در و دیوار محل کار مورد علاقه‌ام را پر از تابلو کرده‌ام و روی میزم
هم برجسب‌های رنگی چسبانده‌ام؛ اما در محل کاری که دوستش
ندارم حتی یک کاغذ رنگی هم وجود ندارد و همه چیز
بی‌روح است.

کسی که می‌خواهد در شغلش
پیشرفت کند و از بودن در محل
کارش احساس شور و شوق دارد،
ناخودآگاه سعی می‌کند آن محل را به
بهترین شکل درآورد، مثل کسی که
خانه‌ای نو می‌خرد و تلاش می‌کند در
حد توانش خانه‌اش را زیبا کند.

البته در تزئین محل کار
باید مراقب احترام به سلیقه و
حریم دیگران هم باشیم؛ مثلاً اگر
همکار شما به گل و گیاه حساسیت دارد
نباید براساس سلیقه خودتان اتاق را به
گلستان تبدیل کنید! برای تزئین اتاق
حتماً نظر همکارانی که با آن‌ها در
یک فضا هستید را پرسید.

نکته جالب این است که
حتی اگر چندان به کارتان علاقه
ندارید، با رعایت کارهایی مثل این
دو مورد تا حدی می‌توانید حداقل
حس بهتری را در فضای کار
خود ایجاد کنید.